تازه‌های نشر گسترده

درباره مرگ و جهان فکری خالق «طعم گیلاس»

گفت‌وگو با کیارستمی

پیروز کلانتری
پژوهشگر و مستندساز

دنیا دارد گفت‌وگویش با کیارستمی را به سرمنزل مقصود خود می‌رساند و گفت‌وگوی ما با کیارستمی تازه دارد آغاز می‌شود! واقعیتی از قرار تلخ - و با نگاهی و در روایتی متفاوت، شیرین - که در روزها و ماه‌های آتی، در غیاب و حضور توأم او، به‌مرور و لایه‌به‌لایه آشکار می‌شود.

این گزاره شاید طعن و شعار به نظر بیاید. اما این‌روزها این احساس و نظر مدام با من هست و به هر حرکت و نگاه و فضای جوان و جست‌وجوگر و در حال‌شدنی که سر برمی‌گردانم، ضرورت مواجهه و مکالمه با آنچه کیارستمی کرد و آنچه او ساخت رو نشان می‌دهد.

قرار هم نیست این مواجهه‌ها تمامیک و درگیر با کل جهان برساخته او باشد، چراکه او خود مدام شکلی تازه برای کردش جهان ذهن و عین خود می‌ساخت و شمایلی متفاوت از آن عرضه می‌کرد و قرار هم نیست این مواجهه مستقیم و رودررو با نام یا شهرت او باشد. آثارش و ردّ حضورش، در تأثیر و تاثر غیرآسود غیابش، برای این دعوت و رابطه کافی است. فقط برای آفرینش‌های سینمایی او شاید بشود لااقل پنج دوره فعالیت پرملاط را نشان کرد: فیلم‌های کانون، مستندهای بعد از انقلاب، فیلم‌های داستانی بعد از انقلاب، دوره کارهای تجربی کوتاه و بلند دهه ۸۰ و فیلم‌های داستانی ساخته‌شده در خارج از ایران. به اینها عکاسی‌ها و شعرهایش، و کارهایش را با شعر شعرای کلاسیک ایران و نیز گفت‌وگوها و نوشته‌هایش را اضافه کنید. هر اهل نظر و هنری و هر آدم درگیر مراوده زندگی و هنر، در هر جا و جایگاهی به فضایی از این مجموعه حضورهای او گره می‌خورد و به مکالمه، مواجهه و مجادله با نگاه‌ها، چالش‌ها و تجاربی متفاوت از جهان او فراخوانده می‌شود.

واقعیت این است که سفره گفت‌وگوی منتقدان، هنرمندان، صاحب‌نظران و حتی مردم حساس و دل‌آگاه سرزمین ما با کیارستمی در زمان حیات او باز نشد (نظرات و نوشته‌های مفصل احمد میراحسان درباره او را جدا می‌کنم). جرایی این بی‌راطنگی بحث گشاده‌ای است که راه به علل و عوامل بسیار می‌برد. جدا از توجه بالا و مسلط - و گاه مصادره به مطلوب - خارج از ایران به او و در داخل ایران، سعی ناموفق در درک و دریافت سینمای او با مترِ و معیارهای سینمای تاکنونی و رایج، رفتار فاصله‌خواه و فاصله‌گیر او از فضای سینمای ایران، هم در این ماجرا دخیل بود.

تماشای روزهای تشیع‌جنازه و ختم او و صاحب‌عزادیدن جلوداران سینمای ایران در این مراسم‌ها برایم غریب بود و مدام ذهنم را درگیر نسبت سینما و کیارستمی باقی نگه می‌داشت. او حتی سینمای دنیا را هم دوست نداشت و آن را دور زد و با فیلم‌هایش این بدیل غریب را وسط گذاشت که می‌شود جور دیگر هم بود و بی‌قیم‌وقیدی ارتباط با آنچه که تاکنون با عنوان سینما جا افتاده و مَتر و معیار ساختن‌ها و دیده‌ماست، فعلا را می‌شود جور دیگر هم ساخت. «فیلم» را در برابر «سینما» مهم کرد: در این معنی که در هر افرینش تازه، مواجهه حی‌وحاضر و زنده و متصل به هم اوفاق را برجسته کرد، رابطه هنر و زندگی را وسط گذاشت و به رابطه بداعت و بداعه رسید.

وجه رادیکال این رویکرد را می‌شود در این سرمایه‌گذاری آشکار می‌شود که این بدیل فیلم به جای سینما را نه‌فقط آدمی در مقام و موقعیت کیارستمی، بلکه هم آدم حساس و شورمند و خواهانی، از دل زندگی و جامعه می‌تواند بیشروی خود بگذارد و پی بگیرد. این توجه و توصیه‌ای بود که او در کارگاه‌های پرتعدادش پیش می‌کشید و مواجهه مستقیم با زندگی را سرآغاز هر آفرینش هنری می‌دید.

سینما دست‌ندار، نگاه به زندگی را وسط گذاشت، رویکردی که سر آخر به امر عمومی و عمومیت پیداکردن هنر متصل می‌شود، که خود بحث مهم و پردامنه‌ای است. در این رویکرد و جایگاه، هنر در معنایی تازه با درک و دریافت‌ها و سازوکاری دیگر عیان می‌شود و راه به بیانی دیگر می‌جوید.

مواجهه و بیانی در نسبت و تازه با کیارستمی امری فقط - و عمدتا - مربوط و محدود به سینما نیست. اهالی فعل در همه رشته‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی و همه آدم‌های حساس و پیگیر با درکیر با رابطه هنر و زندگی مخاطب و فعال فضای گفت‌وگو با کیارستمی خواهند بود و آثار او این ظرفیت و جدایت را در خود دارد که این جهان‌های عمدتا جدا از هم را حول گفت‌وگو با هم به هم نزدیک و متصل کند.

گفت‌وگوی «شرق» با دکتر علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

نهادهای فرهنگی غیردولتی پاسخ‌گو نیستند

عکس: رضا عزیزی

فرانک آرتا

بالاخره گفت‌وگو با دکتر علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بعد از مدت‌ها پیگیری انجام شد. واقعیت این است از زمانی که این گفت‌وگو به سرانجام رسید تا امروز که به چاپ رسیده است، آن‌قدر مشکلات مختلفی گریبان‌گیر هنر شده که به نظر می‌رسید همچنان این گفت‌وگو باید ادامه پیدا کند. بحث فیش‌های حقوقی مدیران سازمان سینمایی دولت قبل، اظهارات ضدونقیض درباره علت مرگ عباس کیارستمی، هتاکی نشریه پالتارات به سینماگران که لغو مجوزش را دربی داشت و البته درنهایت شکستی انتشار دوباره این نشریه، ازسرگیری تیزرهای فیلم‌های سینمایی در ماهواره و... خلاصه به نظر می‌رسد در آخرین سال دور اول دولت تدبیر و امید فاصله بحران‌ها کمتر می‌شود و هر دفعه شاهد فشارهای بیشتری بر حوزه فرهنگ و هنر هستیم. به هر حال سعی شد در این گفت‌وگو، درباره محورهای اصلی سیاست‌های فعلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیشتر متمرکز شویم.

■ با گذشت سه سال از استقرار دولت «تدبیر و امید»، جنابعالی در قامت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، درحال‌حاضر تحلیل‌تان از جایگاه واقعی فرهنگ و هنر در ایران چیست؟

ممنونم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید تا بتوانیم با مردم بیشتر صحبت کنیم. باید اشاره کنم وقتی این دولت تشکیل شد، در ابتدا احساسم بر این بود که بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر با این وزارتخانه با قهر بودند یا ارتباط بسیار ضعیفی داشتند. البته همان‌گونه که مستحضرید، وظایف بسیاری برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. گستردگی فعالیت‌ها، حوزه‌های متنوع و مهمی همچون کتاب، فیلم‌های سینمایی، هنرهای نمایشی، تجسمی، موسیقی، قرآن و عترت، کانون‌های فرهنگی- هنری مساجد و فعالیت‌های فرهنگی - هنری خارج از کشور را دربر می‌گیرد. طبعا در این مسیر برای تعامل سازنده و مستمر با هنرمندان، استادان و فرهیختگان، باید ظرافت‌ها و شیوه‌های درستی را در نظر گرفت.

با این نگاه سعی کردیم از همان روزهای نخست با هنرمندان هر حوزه جلساتی برگزار کنیم. برای مثال، در نشست‌هایی که با دو، سه گروه از سینماگران داشتم، آنها از مشکلات وزارتخانه گله بسیاری داشتند. برخی اظهار می‌کردند چهار سال و حتی هشت سال پا به وزارتخانه نگذاشته‌اند! در حوزه موسیقی هم به همین شکل بود. در حوزه نشر و کتاب وضعیت خاصی حکم‌فرما بود؛ چون بسیاری از کتاب‌ها به هر دلیلی توقیف شده بودند و اجازه چاپ نداشتند! متولیان نشر می‌گفتند کاهی به بهانه‌های واهی، بررسان کتاب جلو نشر کتابی را گرفته بودند. چون ظاهرا سواد لازم را در این زمینه نداشتند.

■ حتی ناشرانی مانند «نشر چشمه» را دادگاهی کرده بودند!

بله. این انتشارات را به دادگاه تخلفات کشاندند و سریعا هم در دادگاه تجدیدنظر محکوم کردند تا راهی برای بازگشت آن برای فعالیت دوباره وجود نداشته باشد! حتی در نمایشگاه وقت کتاب، فهرستی از ۵۰ ناشر تهیه و حق شرکت در نمایشگاه را از آنها سلب کرده بودند. در حوزه سینما هم با آن همه هجمه و فشارها «خانه سینما» را تعطیل کردند. به‌طوری‌که بسیاری از سینماگران انگیزه کارکردن نداشتند؛ چرا تجمیدی و تناثر هم شرایط مشابهی داشتند. خلاصه کلام اینکه بکش و ناامیدی بر اهالی فرهنگ و هنر مستولی شده بود! اما خوشبختانه در دولت تدبیر و امید خط‌خوشی فرهنگ به این بسمت پیش رفت که ضمن رعایت چارچوب‌های قانونی، فضای امن و بازی ایجاد شود تا هنرمندان و اهل قلم با انگیزه به کار مشغول شوند. اعتقاد داشتم و داریم که اگر در زمینه‌های فرهنگی دست بزنند، اعتقاد داشتند و داریم فرهنگ و هنر در فضایی که امکان تبادل‌نظر و تضارب آرا وجود داشته باشد، رشد می‌کند نه دریک فضای بسته. برای مثال، اگر پژوهشگری جرئت نداشته باشد نتیجه تحقیقاتش را بیان کند، هیچ‌گاه فرهنگ رشد پیدا نخواهد کرد. پژوهشگران باید بتوانند نظرات‌شان را منتشر کنند و دیگران هم نظر دهند.

■ جناب آقای دکتر جنتی! البته وضع در حیطه مطبوعات بدتر از همه بود. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران رتعطیل شد و رسانه‌ها در شرایط دشواری به سر می‌بردند. حتی این روزها هم شاهد هستیم برخی از رسانه‌های غیرهمسو با دولت، راحت‌تر نقدهایشان را ارائه می‌کنند؛ مثلا روزنامه‌ای برای تخریب اسناد شجریان کلاژی از عکس‌های هنرمندان پیش از انقلاب را در صفحه اول خود می‌آورد؛ دوبه‌تازگی و دلشوره! درحالی‌که فقط کافی است چنین عکس‌هایی از سوی روزنامه‌های این طرفی منتشر شود؛ به تازگی هم نشریه‌ای مثل «پالتارات» سینماگران را با واژگانی ناوخت که حتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سبردن آن ۱۰ واژگه شرم کرد و بهترین موضوع خود را سکوت دانست! با وجود لغو امتیاز هم اعلام کرد که به تاریخ نشریه خواهد شد! واقعا برای کدام از این بی‌اخلاقی‌ها و ناهنجاری‌ها، در روزارتخانه تحت امرتان چه تمهیداتی در نظرگرفته‌اید؟

متوجه هستم. اما باید گفت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برخورد با تخلفات مطبوعاتی با صبور مجوز برای انتشار نشریات و... دستش بسته است. چون چنین وظیفه‌ای بر دوش «هیات نظارت بر مطبوعات» محول شده که اعضایش متشکل از نمایندگان مجلس، فقه قضائیه، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و حوزه علمیه و وزارت علوم و وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند و فقط یک نماینده از مدیران مسئول مطبوعات در این هیات حق رأی دارند. متاسفانه مجموعه‌ها باید در چارچوب قانون آراء باشند و درعین‌حال، قانون نباید طوری باشد که افراد نتوانند مطالبات‌شان را اظهار کنند. هرچند قانون فعلی هم اشکالاتی دارد که باید مرتفع شود. اما در چارچوب همین قانون می‌توان بهتر عمل و برخورد کرد. در برخورد با تخلفات هم مرکز ارزیابی و نظارت مطبوعات باید بتواند کاملا باشد که می‌شود پی گرفت. تاجایی که امکان دارد، تلاش می‌کنیم در کمک‌کردن به اصلاحات مطبوعات مشکل مرتفع شود و بعد هم به‌ترتیب تذکر شفاهی، کتبی و در برخی موارد با تغییر مدیرمسئول یا تخلفات برخورد می‌کنیم. اگر کاهی در چارچوب خیلی نیز بود ملا نشریه‌ای روی روش انتباه غیرقانونی این اصرار کند، در آن صورت دست آخر به توقیف و تشدید مجازات منتهی خواهد شد. درباره بی‌اخلاقی اخیرید باید بگویم ما هم نظرمان را اعلام کردیم. اما برای مجوزدادن به این نشریات باید «هیات نظارت بر مطبوعات» نظر دهد.

■ در حوزه نشر چه حرکاتی صورت گرفته است؟

خوشبختانه در این دوره، نشر کتاب خوشبختی نسبی پیدا کرده است. برای مثال، سال گذشته حدود ۸۰ هزار عنوان کتاب چاپ شد. در حوزه مطبوعات از ابتدای زمانی که مجوز انتشار داده‌اند، چهار، پنج‌برابر بیشتر مجوز نشر داده شده بود! در این مدت بیش از ۱۰ هزار مجوز نشر به صورت مکتوب و الکترونیک صادر کرده‌ایم.

■ منظورم بیشتر در حوزه کاهش ممیزی بود. به‌هرحالت، این کمیت قابل ستایش است. اما در مورد تخست همچنان کیروکرفت‌هایی وجود دارد؟

به‌هرحالت، تلاش کرده‌ایم تا جایی که قانون اجازه دهد، امکان نشر کتاب‌های بیشتری به‌دهیم.

■ در حوزه‌های دیگر از نظر شما چه اتفاقات میمونی رخ داده است؟

در بحث سینما به نظر من تعداد فیلم‌هایی که سال گذشته در جشنواره فیلم فجر حضور داشتند، مثبت ارزیابی می‌شود. حدود ۲۰۰ فیلم مستند و کوتاه و سینمایی بلند داشتیم و بخش انیمیشن‌های سینمایی هم از رشد خوبی برخوردارند. اقبال مردم به سینما خیلی بهتر شده. در سال ۹۳ کل فروش سینما حدود ۵۰ میلیارد تومان بوده و امسال دست‌کم در سه ماه اول سال بالغ بر ۶۲ میلیارد تومان فروش داشته‌ایم. در سال ۹۲ حدود هفت‌میلیون نفر سینما رفتند، اما در سه ماه اول امسال این میزان به هشت‌میلیون نفر ارتقا یافت. تئاترهای خیلی درحال‌حاضر در حال اجراست. در شهر تهران هر شب بین صد تا ۱۰۵ تئاتر روی صحنه می‌آید که رقم امیدوارکننده‌ای است. با وجود همه مشکلاتی که برای اجرای کنسرت‌های موسیقی داریم، سعی‌مان این است که حتما این کنسرت‌ها برگزار شوند، چون خوانندها، آهنگ‌سازان و موزیسین‌های خیلی خوبی در حوزه موسیقی پاپ و سنتی مشغول به کارند. از طرف دیگر، جامعه هم نیازمند نشاط است و کاهی گزارشاتی که از سوی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی منتشر می‌شود، حاکی از آن است که حداقل ۳۰،۲۰ درصد جامعه دچار افسردگی هستند و برای رفع این افسردگی نیاز است که اوقات فراغت را با روش‌های سالمی مثل موسیقی و تئاتر و سینما و حتی بازی‌های رایانه‌ای پر کنیم و چه بهتر که این اوقات با تولیدات مرغوب داخلی پر شوند. سیاست کلی دولت این بوده که روحیه امید و نشاط در جامعه به‌ویژه میان اصحاب فرهنگ و هنر ایجاد شود که خوشبختانه به نظر می‌رسد در سه سال گذشته در این زمینه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. خوشبختانه در بسیاری از اهالی قلم، ارباب رسانه و سینماگران این‌گونه رضایت‌ها مشاهده می‌کنم.

■ آقای وزیر! درست است در آن «هشت سال خاص» مشارکت هنرمندان و اهل فرهنگ به حداقل رسیده بود و دولت وقت با پیروی از سیاست انقباضی فرهنگی، اجازه داد فقط صداهای عده‌ای قلیل و همسو با خودش شنیده شود. اما با اعمال سیاست انبساطی، دولت یازدهم ضمن مشارکت فعال هنرمندان در عرصه‌های مختلف، همزمان توقعات و مطالبات را هم بالا برده است. اینکه در یک تا دو سال اول استقرار دولت تدبیر و امید، دستگاه‌های فرهنگی و هنری دولت در جلب رضایت هنرمندان و رتق‌وفتق و اوضاع تاسامان هست گمارده و فضا را از نظر روانی آرام کردند، سودنی است. اما در سال‌های سوم و چهارم حتما مطالبات خلقه و نادیده گرفته‌شده بزرگ‌تر می‌شود. چون می‌دانیم دولت می‌تواند کارهای مهم‌تری هم انجام دهد. این بهتر می‌داند در فرهنگ و هنر سازمان چالش برانگیزتر. چون در این عرصه جزئیات نقش مهمی دارد. برای مثال، جریانی‌ها از زمان گرفتن رای اعتماد از مجلس تا امروز همواره بیان کرده‌اند یک مجوزهایی که داشتند، خواهید داشت. اما در دکر زن‌ها، با موانعی مواجه شده‌اید و به نظر می‌رسد دست‌کم در دو حوزه موسیقی و سینما مجوزهایتان دچار خدشه شده‌اند. برخی از فیلم‌ها به‌دلیل فشارهای چند جانبه و از چند سوتوفیک و بسیاری از کنسرت‌ها لغو شده‌اند. واقعا چرا این‌گونه شد؟

هنوز هم به آنچه گفته‌ایم، معتقدیم و علاقه‌مند هستیم پای مجوزهایمان بایستیم. اما نباید همه‌جا طرف مقابل را جزء مخالفان و جریان سیاسی مخالف بیینیم. بالاخره جامعه ما یک جامعه چندصدایی است. جمعیتی از نیروهای مذهبی متعصب در جامعه داریم. همچنین روشنفکرانی به‌گونه‌ای دیگر فکر می‌کنند که آنها هم طیف وسیعی هستند. دستگاه‌های فرهنگی باید به‌گونه‌ای عمل کنند که نظرات همه جلب شود. ما نمی‌توانیم فقط برای گروه خاصی فیلم بسازیم یا کتاب چاپ کنیم. همه باید براساس سلیقه‌شان آنچه را که می‌خواهند، در دسترس‌شان باشد. این انتظار هم فقط نباید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. همه دستگاه‌های فرهنگی که زیر نظر وزارت‌خانه‌ها هستند